

ما می گوئیم : مردم سیاه پوست حق دارند! در اینجا بمانند، در اینجا بجنگند!

برگردان: مینو ستوده

نوشته زیر تحت عنوان «زنان و پرواز/ مهاجرت» متن سخنرانی کرن (Karen) از فعالین انجمن حقوق بشر برمن و کاروان^۱ است که در کنگره سالانه کاروان شهر ینا- آلمان آوریل ۲۰۰۰ ایراد شد.

کارزار « لغو قوانین تبعیض خانواده در آلمان» مشترکاً بوسیله انجمن حقوق بشر در برمن و تشکل صدای (Voice) (افریقا در ینا (Yena) به تاریخ ژانویه ۲۰۰۰ کار خود را آغاز کرد.. هدف این کارزار حمایت فعال از روابط و ازدواج های دو ملیتی از طریق مبارزه علیه سیاست جدا سازی اجباری ازدواج های دو ملیتی و خانواده ها بوسیله دولت آلمان است. اغلب فعالین، مانند خودم، در رابطه های دو ملیتی هستیم. وقتی یکی از زوجین از کشور های غربی نیست، دولت آلمان بطور سیستماتیک سعی در خراب کردن رابطه و یا جدا کردن خانواده می کند. زمانیکه یکی از زوجین سیاه پوست است اذیت و آزار دولت صد چندان می شود. بعلاوه سیاست های مربوط به امورخانوادگی، راسیستی، و عمیقاً ضد زن می باشند و مشکلاتی در تمام سطوح ؛ روحی / روانی، اجتماعی و مالی/ اقتصادی بوجود می آورند. این جزئیات بوسیله سخنرانان کارزار بوضوح مختصراً توضیح داده خواهد شد.

هر زن سفید پوست که عاشق یک مرد سیاه پوست شده و او را بعنوان همسرش انتخاب کند، به معنای واقعی وارد عمل سیاسی شده است.

داشتن رابطه زناشویی با یک فرد سیاه پوست موجب تنفر و تعصب خانواده، فامیل، دوستان و بطور عموم درکل جامعه می شود. ما همیشه آمادگی برای اینگونه برخورد های تعصب آمیز را داریم. ولی آن چه که برایش آمادگی کامل نداریم، نیرو و وقتی است که دولت آلمان برای از بین بردن اینگونه روابط و خانواده ها می گذارد تا حدی که بعضی اوقات ما را مجبور به تسلیم می نماید. این پروسه، ۱- آلمان بدون خارجی ها رادست می کند که از اهداف مطلوب دولت آلمان محسوب می شود. ۲- این حرکت بخشی جدا ناپذیر از سیاست تصفیه خارجی ها از آلمان است. اما در واقع کثیف، این دولت آلمان است که دستان نژادپرستش آغشته به خون می باشد. این دولت نژادپرست می خواهد زنان سفید پوست آلمانی فقط بچه های "قشنگ" سفید پوست آلمانی بزایند و پرورش دهند از این طریق دولت می کوشد در جمعیت سفیدپوست ملت ستمگر غربی را افزایش دهد. این است بینش نژادپرستانه آنان.

ولی آنچه که آنان در معادلاتشان حساب نکرده و به آن کم بهاء داده اند، توان و اراده زنانی مانند من است که برای حقوقشان می جنگند و مبارزه را بی وقفه ادامه می دهند . آنان تصویر دقیقی از اراده ما ندارند.

هر زمان که ما سوار اتوبوس می شویم و یا برای خرید به شهر می رویم و یا در خیابان دست در دست یکدیگر راه می رویم ، سرها به طرف ما بر می گردد. ما سیاسی هستیم. ما با این کار زیر نگاه های سنگین نژادپرستانه مردم، در واقع یک حرکت سیاسی می نمائیم. زمانیکه با فریاد های نژادپرستانه، ما را "کثافت"، "معشوقه سیاه ها" و "جنده سیاه ها" صدا می کنند، ما سیاسی می شویم. ما سر خود را بالا می گیریم و به زانو در نمی آئیم.

مطبوعات نژادپرست داستان های راسیستی منتشر می کنند و ما در مقابل، اعلامیه های خودمان را پخش می کنیم، ما کمر خم نکرده ، باز سر خود را بالا نگه می داریم. ما قوی تر می شویم ، ما با عزمی راسخ تر بدنبال ریشه مسئله که نژادپرستی خشونت بار دولتی است، می گردیم.

دولت نژادپرست آلمان با دستان آغشته به خون قادر نخواهد بود ، ما را از خانواده هایمان جدا نماید. در سرزمینی که فقط در خدمت مردان سفید پوست با نفوذ است، ما در صف اول مبارزه علیه نژادپرستی و زن ستیزی هستیم. ما زنان صف اول مبارزه هستیم. خشم و نفرت ما از این مناسبات ما را به زندگی سیاسی کشانده است.

هر چه دولت نژادپرست آلمان فشارش را بر ما بیشتر می کند، خشمگین تر می شویم و هر قدر خشمگین تر شویم، همانقدر قوی تر می شویم!

ما سیاسی هستیم. شما ممکن است از خودتان سوال کنید که چرا عبارت « ما سیاسی هستیم» را اینقدر تکرار می کنم! علت این اعلان رسمی این است که برخی چپ ها و فمینیست های غرب معتقدند که ما سیاسی نیستیم و یا به اندازه کافی سیاسی نیستیم. تبلیغات راسیستی در اینجا آنقدر قوی است که به هر عرصه ای از زندگی ما

چنگ انداخته است. اغلب چپ های غربی تصور می کنند، ما راضی به زندگی با مردی از کشور جهان سوم شده ایم که ذاتاً زن ستیزتر از یک مرد سفید پوست غربی متعلق به "طیف چپ" است. مسئله ای که در اینجا می خواهیم بر آن تأکید کنیم، این است که برای ما زنانی که همسر سیاه پوست داریم، مبارزه علیه راسیسم در درجه اول قرار دارد. ما نه تنها باید علیه راسیسم دولتی، راسیسم در سطح جامعه، بلکه باید علیه راسیسم زنان و مردان غربی که خود را چپ می نامند نیز بجنگیم. خطاب به این مردم، می خواهیم مستقیم و روشن بگویم؛ ما سیاسی تر از شما هستیم. همسران ما در مسئله ستم بر زن آگاه تر از مردان سفید پوست هستند. ما مجبور به حمایت مالی از همسرمان هستیم، و آنان در عوض مشغول خانه داری هستند. آنها بیشتر از یک مرد سفید پوست غربی درگیر بچه داری هستند. در واقع مردان سفید پوست غربی منتسب به چپ فقط در حرف از ستم بر زن صحبت می کنند، در حالی که همسران ما به آن عمل می کنند. و پراتیک تعیین کننده است و نه حرف زدن. ما ادعا نمی کنیم که همسران ما اصلاً مرد سالار نیستند، اما دیگر از تصویر راسیستی کلیشه ای ضد زنی که دائماً از همسر سیاه پوست ما داده می شود، بیزار شده ایم. ما قصد رنجاندن کسی را نداریم. قصد از طرح این مسئله رشد آگاهی مردم از عمق نفوذ راسیسم در ما است که شامل من هم می شود..

متولد غرب بودن و در غرب زندگی کردن، یعنی متاثر از راسیسمی که طی سال های متمادی بطور روزانه به خوردت داده اند. ما بطور خود بخودی و در ضمیرناخود آگاه خویش توسط آنها احاطه شده ایم. من ۴۷ ساله هستم و یک دم از زیر ذره بین گذاشتن خودم برای پیدا کردن نشانی از راسیسم باز نایستاده ام.. زمانیکه در فعالیت های سیاسی ضد راسیستی و انترناسیونالیستی درگیر هستیم، باید مرتباً حواسمان به این مسئله باشد.

دقیقاً همانطور که مردان باید برای یافتن جوانب زن ستیزانه، خود را زیر ذره بین قرار دهند. در عین حال، ما نباید برای اینکه ثابت کنیم ضد زن نیستیم، در دام نژادپرستی بیفتیم. یکی از اعضای تشکل «صدا» بر سکوی (پلاتفرم) ایستگاه قطاری ایستاده بود. زنی به آنجا رسید، و به محضی که او را دید، شروع به فریاد های هیستریک کرد. هیچکس دیگری در اطراف نبود و من می توانم بگویم که «اوزران» به شدت شوکه شده بود. چه اتفاقی می افتاد اگر مردم سفید پوست وارد صحنه می شدند. در اینجا مشکل چیست؟ زن ستیزی و یا نژادپرستی؟ در جامعه سفید پوست غربی، مبارزه با زن ستیزی همیشه بهانه ای می شود برای کوتاه آمدن در مقابل نژادپرستی.

ما نیاز به کسانی داریم که در کارها به ما کمک کنند، ما همه نیاز به یادگیری داریم. اما نیاز به آموزگاران متفرعن نداریم.

ما زنان، صف اول مبارزه علیه راسیسم و مرد سالاری هستیم.

ما نیرو و انرژی خود را از زنان مبارز جهان سوم که برای استقلال، زمین، و رهائی - و گاه با اسلحه می جنگند- میگیریم.

ما از آنان الهام سیاسی می گیریم.

اسلحه ما در غرب، شأن و غرور ما است.

ما با تمایل و جدیت آنانی که در کنار ما علیه راسیسم و قوانین آپارتاید مربوط به خانواده در آلمان می جنگند، تقویت می شویم.

ما اعلام جنگ به این قوانین آپارتایدی دولت آلمان کرده، قسم خورده ایم که با تمام اشکال راسیسم و ستم بجنگیم. ما نیروئی خارج از کنترل دولت آلمان هستیم..

ما می گوئیم: مردم سیاه پوست حق دارند!
در اینجا بمانند! در اینجا بجنگند!